

عامل قتل ۲ روحانی در حرم مطهر رضوی اعدام شد

پسر جنایتکاری که فروردین امسال دوروحانی جهادی را در حرم مطهر رضوی به قتل رساند و روحانی دیگری را هم زخمی کرد، صبح دیروز در زندان وکیل آباد مشهد اعدام شد.

به گزارش جوان، روز شانزدهم فروردین ماه امسال پسر جوان افغانی به نام عبداللطیف مرادی با چاقو به سه روحانی در یکی از صحنه‌های حرم مطهر رضوی حمله کرد و در جریان آن دو نفر از روحانیون را به شهادت رساند و روحانی دیگری را هم زخمی کرد.

رئیس کل دادگستری خراسان رضوی با اعلام خبر اعدام متهم گفت: «پس از وقوع حادثه ناگوار تروریستی و دستگیری متهم و انجام تحقیقات دامنه دار قضایی امنیتی، نهایتاً پرونده به صورت ویژه در یکی از شعب بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد مورد رسیدگی دقیق قرار گرفت و پس از صدور کیفرخواست، جهت ادامه رسیدگی به دادگاه انقلاب اسلامی مشهد مقدس ارسال شد. در این مرحله از دادرسی، دادگاه پس از بررسی تمامی اسناد و مدارک مربوط به این حادثه، به صورت فوق‌العاده اقدام به برگزاری جلسه علنی رسیدگی به اتهامات متهم عبداللطیف مرادی، فرزند محمد طاهر مبنی بر محاربه از طریق کشیدن (تجريد سلاح) روی مردم به قصد اهاق نفس، ایجاد رعب و وحشت که موجب ناامنی در محیط حرم و حتی خارج از آن را فراهم کرده بود، تفهیم اتهام شد.

غلامعلی صادقی گفت: در نهایت پس از تأیید حکم متهم در دیوان عالی کشور، حکمش صبح روز دو شنبه اجرا شد.

آدم ربایی برای گزارش تخلف به پلیس

مردی که برای گزارش تخلف راننده پژو در پارک وسبیله نقلیه مقابل خانه‌اش با پلیس تماس گرفته بود، از سوی وی رسوده شد.

به گزارش جوان، چندی قبل مردی تلفنی به مأموران پلیس تهران خبر داد، پسر جوانش از سوی مرد ناشناسی ربوده شده‌است.

وی گفت: «پسرم ۲۴ساله است و به تازگی از دواج کرد.ست دقایقی قبل رنگ تلفن همراهم به‌صدا در آمد و پشت خط پسر بود.وقتی تلفن را جواب دادم صدای برادرهای کمک خواهی پسرم را شنیدم که معلوم بود از سوی فردی ربوده شده‌ است.»

با طرح این شکایت تیمی از مأموران پلیس به‌دستور قاضی محمدامین تقویان، بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی موضوع و ارایه مرد ربوده شده وارد عمل شدند. بررسی‌های پلیس نشان داد دقایقی قبل پسر جوان هنگام پارک خودرواش در کوچه‌شان از سوی راننده خودرو سواری پژویی ربوده شده‌ است. مأموران در ادامه تحقیقات دریافتند متهم گویان را در نزدیکی خانه‌اش رها کرده و از محل گریخته‌ است.

مرد ربوده شده پس از آزادی گفت: «ساعتی قبل همسر را به خانه پدرش رساندم و خودم با خودروام در خانه‌مان در منطقه نعمت‌آباد در جنوب تهران برگشتم. وقتی به در خانه رسیدم دیدم خودروی پژویی جلو پارک کینگ خانه‌مان پارک کرده‌است و به همین خاطر به دنبال راننده‌اش گشتم تا او را پیدا کنم و خودرواش را از جوی در پارک کینگ خانه‌مان بردارم. اما او را پیدا نکردم. پس از این با تلفن ۱۱۰ تماس گرفتم و پلاک خودروی مراحم را اعلام کردم و از پلیس خواستم با راننده تماس بگیرد ند و از او بخواهند خودرواش را جابه‌جا کند.»

وی ادامه داد: «لحظاتی بعد راننده خودرو که مردی حدوداً ۴۰ساله است، سوار خودرواش شد و از من خواست سوار خودرواش شوم. فکر کردم قصد دارد از من غدر خواهی کند، اما وقتی سوار شدم قمه بزرگی روی صورت‌م گذاشت و تهدید کرد هیچ حرکتی نکنم. او صورت‌م را زخم کرد و به راه افتاد. هر چقدر التماس کردم هرایم کند فایده‌ای نداشت و آن مرد مدعی بود به خاطر گزارش من، پلیس به او نمره بزرگی داده‌ است و باید مرا تنبیه کند. او در حال رانندگی بود که به‌صورت مخفیانه تلفن همراه پدرم را گرفت و زمانی که پدرم گوشی را برداشت شروع به فریاد کردم و به پدرم فهماندم که ربوده شده‌ام. متهم وقتی فهمید پلیس در تعقیب‌اش است مرا راهو فرار کرد.» تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه دارد.

■ **غلامرضا مسکنی** تحقیقات پلیس پایتخت برای بازداشت مردان مسلح که تاجر لاستیک را به قتل رسانده و همکار وی را آت‌پز نگاه مرگ کشانده‌اند، جریان دارد. به گزارش جوان، ساعت ۲۱ شامگاه یک شنبه ۲۹ خرداد، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از قتل مرد میانسانی با شلیک گلوله در یکی از خیابان‌های اطراف پاسداران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان ادار دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه در شمال تهران داخل خودروی پژو ۲۰۷ با جسد مرد ۴۶ساله‌ای به نام حمید رویه‌رو شدند که با شلیک گلوله‌ای به‌سرش به قتل رسیده‌ بود.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد دقایقی قبل در سکوت شامگاهی و تاریکی شب ساکنان خیابانی در نزدیکی خیابان پاسداران با صدای

شلیک گلوله‌ای از خانه بیرون می‌آیند. اهالی محل داخل خیابان خودروی ۲۰۷ را می‌بینند که شیشه در سمت راننده شکسته شده و وقتی به خودرو نزدیک می‌شوند با مشاهده جسد خونین راننده پشت فرمان موضوع را بلافاصله به اداره پلیس خبر می‌دهند. یکی از شاهدان به مأموران گفت: «در خانه نشسته بودیم که صدای شلیک گلوله‌ای از داخل خیابان به گوش‌مان رسید. کنجکاو شدیم و از خانه بیرون آمدیم که با ماشین مرد همسایه رویه‌رو شدیم و دیدیم او داخل خودرواش در نزدیکی در پارکینگ خانه‌اش با شلیک گلوله به قتل رسیده‌ است.» مأموران در بررسی‌های محل حادثه پو که گلوله کلت کمری داخل خودروی مقتول کشف کردند که حکایت از آن داشت مرد میانسال با شلیک گلوله همان پو که از سوی در ناشناسی به قتل رسیده‌ است.

■ **بررسی دوربین‌های مدار بسته**

در ادامه مأموران پلیس برای شناسایی عامل با

حواالت

سرویس حوادث ۸۹۹۸۴۳۵

فرار مردان مسلح از قتل تاجر لاستیک

عاملان قتل دوربین‌های مدار بسته محل حادثه را مورد بازبینی قرار دادند. دوربین‌ها چهره دو مرد ناشناسی را ضبط کرده بود که با پای پیاده به طرف خودروی مقتول که در نزدیکی در پارک کینگ خانه‌اش پارک بوده می‌روند و او را با شلیک گلوله هدف قرار می‌دهند و سپس به سرعت از محل فرار می‌کنند.

همزمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت تا اینکه مأموران پلیس در یافتند مقتول مرد پولداری است و تاجر لاستیک خودروهای سنگین بوده که چندی قبل هم شریکش در یکی از خیابان‌های تهران هدف گلوله قرار می‌گیرد و پس از انتقال به بیمارستان از مرگ نجات پیدا می‌کند.

بررسی‌ها حکایت از آن داشت مقتول و شریکش چندی قبل هر کدام با خودروی خودشان در یکی از خیابان‌های تهران با فاصله

قاتل دکتر داروساز به قصاص محکوم شد



می‌گذشت به پزشکی قانونی فرستاده شد و روند تحقیقات نشان می‌داد عامل با عاملان قتل بعد از ارتکاب جرم، اسناد، پول، دلارها و طلاهای مقتول را به همراه گوشی موبایلش این سفر گریخته تعجب کرد.م. دخترم هیچ پولی بدون اطلاع به سفر نمی‌رفت. وقتی این خبر را شنیدم با خودم گفتم شاید ناگهانی بلیت گرفته است. این شد که با نوام در کانادا تماس گرفتم، اما او هم از مدارش بی‌خبر بود. او می‌گفت، مادرش پاسخ تماس‌هایش را نمی‌دهد و چند روزی است در شبکه‌های مجازی نیز آنلاین نشده‌ است. او هم خیلی نگران بود که احتمال دادیم، اتفاق بدی برای دخترم افتاده‌ است. از پلیس می‌خواهم مرا در پیدا کردن دخترم کمک کند.»

■ **کشف جسد مومیایی در چمدان**

با طرح این شکایت، مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند و با حضور در محل زندگی خانم دکتر در آپارتمانی حوالی خیابان یوسف‌آباد از همسایه‌ها تحقیق کردند که مشخص شد همسایه‌ها هم چند روزی است، خانم دکتر را ندیده‌اند. پس از این مأموران با تخفیر قبل در وارد خانه شدند، اما همه جا به هم ریخته بود و بوی تعفن خانه را پر کرده‌ بود. با دیدن آن صحنه مأموران خانه را مورد بررسی قرار دادند تا اینکه در یکی از اتاق خواب‌ها با مقدار زیادی لباس که کنار تخت افتاده بود رویه‌رو شدند. مأموران با کنار زدن لباس‌ها چمدان بزرگی را کشف کردند که بعد از باز شدن در آن با جسد خانم دکتر در داخل آن رویه‌رو شدند که با مقدار زیادی لباس مومیایی شده بود.

جسد خانم دکتر که چند روز از مرگ او

بلیت تهیه کند و زودتر از موعد به کانادا رفته

است.»

متهم بعد از تناقض گویی در اظهاراتش سرانجام چند روز بعد به قتل اعتراف کرد و گفت درگیری با خانم دکتر مرگ یک پهل شده‌ است.

متهم در شرح ماجرا گفت: «چند سال در داروخانه میترا مشغول کار بودم. مدتی بود در زمینه خرید و فروش دارو سرمایه‌گذاری کردم

و مشغول کار شدم. در این شرکت پول زیادی به خانم دکتر بدهکار شدم که توانایی پرداخت داشتم، روز حادثه نیز به خانه او رفته بودم تا وی توان پرداخت این بدهی را نداشت. این شد که خواست قصاص کردم. مادر و پسران مقتول هستند

متهم ادامه داد: «صراهای خانم دکتر باعث شد نقشه قتل به سرم بزند. به همین خاطر وقتی او از خانه منخواست ماسک‌ش را به من داد.بعد تا بعد از مرگش آغشته به ماده بیپهوشی کردم و سپس آنرا مقابل دهانش گرفتم. خانم دکتر بی‌حال شده بود که او را خفه کردم. وقتی مطمئن شدم او مرده‌ است جسدش را داخل چمدان قرار دادم تا آنرا از خانه خارج کنم. اما نتوانستم این کار را انجام دهم. برای درم کردن و فریب مأموران پلیس از تلفن همراه خانم دکتر برای خودم پیامکی فرستادم که در آن نوشته بودم «زودتر از موعد به کانادا می‌روم» جسد را به خاطر رفت و آمد همسایه‌ها نتوانستم از خانه خارج کنم. به همین خاطر آنرا با لباس‌های زیادی مخفی کردم تا کسی آن را پیدا نکند.»

متهم در این باره گفت: «خانم دکتر به من اعتماد داشت به همین خاطر چند سال قبل وصیت‌نامه‌اش را به من داده‌ بود تا بعد از مرگش آنرا به وارثانش بدهم. من هم وصیت‌نامه او را در گاوصندوقی که داشتم گذاشته بودم. احتمالاً بقیه مدارک کبره هم‌راه وصیت‌نامه به من داده شده‌ بود که دقت نکردم و دسته چکم هم مشترک بود.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «من ۲۷ سال با خانم دکتر رابطه کاری داشتم و او به من اعتماد داشت. باور کنید او را نکشتم و اظهارات اولیه‌ام تحت فشارهای بازجویی بود.»

در پایان هیئت قضایی با اعلام ختم جلسه وارد شور شد، سپس با توجه به مدارک و شواهد موجود متهم را به قصاص محکوم کرد.

■ **محاكمه و صدور حكم قصاص**

به اقرار‌های متهم، و بعد از بازسازی صحنه جرم راه‌می زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. روز گذشته متهم مقابل هیئت قضایی شعبه پنجم دادگاه به ریاست قاضی بابایی قرار گرفت. ابتدای جلسه وکیل اولیه‌ای دم در غیاب موکلش که مادر و پسران مقتول هستند در خواست قصاص کرد.

متهم در این باره گفت: «خانم دکتر به من اعتماد داشت به همین خاطر چند سال قبل وصیت‌نامه‌اش را به من داده‌ بود تا بعد از مرگش آنرا به وارثانش بدهم. من هم وصیت‌نامه او را در گاوصندوقی که داشتم گذاشته بودم. احتمالاً بقیه مدارک کبره هم‌راه وصیت‌نامه به من داده شده‌ بود که دقت نکردم و دسته چکم هم مشترک بود.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «من ۲۷ سال با خانم دکتر رابطه کاری داشتم و او به من اعتماد داشت. باور کنید او را نکشتم و اظهارات اولیه‌ام تحت فشارهای بازجویی بود.»

در پایان هیئت قضایی با اعلام ختم جلسه وارد شور شد، سپس با توجه به مدارک و شواهد موجود متهم را به قصاص محکوم کرد.

مادر خوانده:مادر مقتول تهدیدم کرد

قاتل شدم

من زندگی‌اش را خراب کرده‌ام و شوهرش را از دست او گرفته‌ام. همیشه پیام می‌فرستاد که با پسرش بد رفتاری می‌کنم در صورتی که من رابطه خوبی با بنیامین داشتم و چون خودم فرزندی نداشتیم، او را دوست داشتم. اما مادرش قبول نمی‌کرد. او می‌گفت من قصد دارم همانطور که شوهرش را از او گرفته‌ام، پسرش را هم از او بگیرم و همیشه با پیام‌ها و تلفن‌های‌اش می‌خواست مرا آزار بدهد.

چه شد که با پدر بنیامین ازدواج کردی؟

سه سال قبل با او آشنا شدم و او هم پیشنهاد ازدواج داد. از آنجایی که همسرش را طلاق داده بود، قبول کردم و با هم ازدواج کردیم. من می‌دانستم او پسر خردسالی هم دارد و قبول هم کردم همراه او و پسرش زندگی کنم. زندگی خوبی داشتیم و بنیامین را خیلی دوست داشتم، و هرگز فکر نمی‌کردم قاتل شوم.

بنیامین پیش مادرش نمی‌رفت؟ بنیامین اوایل پیش مادرش بود و شوهرم هر چند وقت یک‌بار او را به خانه می‌آورد و من هم از او نگهداری می‌کردم و با هم مشکلی نداشتیم تا اینکه حدود چهار ماه قبل شوهرم بنیامین را برای همیشه به خانه ما آورد و قرار شد با هم زندگی کنیم. ما با هم مشکلی نداشتیم و خوب و خوش بودیم اما مادرش مدام برای من پیامک‌های تهدید آمیز می‌فرستاد.

یعنی شما فقط به خاطر حرف‌های مادرش، بنیامین را به قتل رساندی؟

من مشکل عصبی هم دارم و روز حادثه حرف‌های مادر بنیامین مرا خیلی عصبانی کرد و در نهایت این اتفاق افتاد.

درباره روز حادثه توضیح بده. آن روز ساعت نزدیک ۱۲ ظهر بود، من و بنیامین در خانه تنها بودیم چون شوهرم برای انجام کاری به شهرستان رفته بود که مادر بنیامین به من پیام داد. او مدل همه‌ش مرا مقصر از طم بپاشیدن زندگی‌اش می‌دانست و مرا تهدید می‌کرد که با فرزندش خوب رفتار کنم. آنقدر او با پیام‌هایش روی اعصابم رفت که عصبانی شدم و نفهمیدم چه کار می‌کنم. وقتی به خودم آمدم دیدم به اتاق بنیامین رفته‌ام و گلویش را فشار می‌دهم. لحظاتی بعد گلوئی او را رها کردم و بنیامین نقش بر زمین شد. آنقدر شوکه شده بودم که نیم ساعتی بالای سرش گریه کردم و بعد به اوورژانس تماس گرفتم و در خواست کمک کردم. هم‌زمان هم با اداره پلیس تماس گرفتم و گفتم پسر شوهرم را به قتل رسانده‌ام و باید بد را از او جدا کنم.

چرا گریه می‌کنی؟ خیلی بشیمان هستم. کشتن آن لحظه حادثه و خودم را کنترل می‌کردم وای کاش تنها نبودم و این اتفاق رخ نمی‌داد.

چرا عصبانی شدی؟ مادر بنیامین رفتارش خیلی با من بد بود و همیشه با پیامک‌ها و تلفن‌هایش مرا آزار می‌داد. او مدام مرا تهدید می‌کرد و می‌گفت

■ **مفقودی**
برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ ۲ پارس مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۸۸-۷۱ ج ۱۱ شماره موتور ۰۹۸۷۹۸۰۱۲۴۸۹ و شماره شاسی ۰۹۸۵۵۵۵۲۴۰۹ NAAN۰۱CA۴AE۵۵۲۴۰۹ مفقود شده و از مسجد زکریا کملی ۰۰۷۹۹۲۵۶۲۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

■ **مفقودی**
برگ سبز خودرو سواری تیبیا ۲ هاچ‌بک مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید به شماره پلاک ایران ۳۰-۵۵۵۷-۸۸ و شماره موتور M1۵/۹۳۲۵۱۸۵ و شماره شاسی M1۰۳۳۵۶۱ NAS۸۲۱۱۰۰ متعلق به یوسف غلام‌پور مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

■ **مفقودی**
برگ سبز خودروی هاچ‌بک جیلی تیپ ۱۸۰۰ AT ۱مگراندار وی ۷ مدل ۲۰۱۴ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک (ایران ۲۰-۴۶۶ س ۷۶) و شماره موتور ۰۸۴۶۴ JLF۶۱DANG و شماره شاسی ۰۰۹۴۹۴ L۶TV۶۴۲ZEN متعلق به ساناز وحدتی فروردینی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز